



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقرب الی صراطه المستقیم

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

A lit candle and red flowers in a dark setting. The candle is on the right, glowing with a bright flame. The flowers are on the left, with some in sharp focus and others blurred in the background. The overall mood is solemn and contemplative.

خون های بی

که تا رستاخیز می جوشند

اعظم عبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خون هایی که تا رستاخیز می جوشند

نویسنده:

اعظم عبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خون هایی که تا رستاخیز می جوشند
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	زبان های جنگ یزیدیان
۸	خسارت جبران ناپذیر
۹	ذلت مردم
۱۱	ضربت خوردن اسلام
۱۳	شکست علمی
۱۵	لکه ننگ
۱۵	اینک چند نکته
۱۶	آثار ثمربخش
۱۶	اشاره
۱۶	مکتب سیار
۱۶	تربت امام، شفای بیماران
۱۶	اشاره
۱۸	محبوبیت امام و خاندان علی بالا می رود
۱۸	اشاره
۲۰	یک نکته
۲۱	آل امیه منفور می گردد
۲۲	نهضت هایی که از حادثه کربلا الهام گرفت
۲۵	درس های عملی
۲۵	اشاره
۲۷	درس عزت نفس

۲۷	اشاره
۳۰	نهیضت حسین از نظر «مهاتما گاندی»
۳۰	آثار نهیضت امام حسین از نظر «مسیو ماربین» آلمانی
۳۰	محمد علی جناح
۳۰	حادثه عاشورا از نظر لیاقت علیخان
۳۰	اثر نهیضت حسین از نظر گیبون مورخ مشهور
۳۰	آثار نهیضت حسین از نظر «توماس کارلایل»
۳۱	نهیضت حسین از نظر فردریک جمس
۳۱	کلام آخر
۳۲	درباره مرکز

عنوان: خون هایی که تا رستاخیز می جوشند

پدیدآورندگان: اعظم عبادی (پدیدآور)

ناشر: اعظم عبادی

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: خوردن تربت قبر امام حسین (ع)

ولایت امام حسین (ع)

مقدمه

نهضت امام حسین (ع) علاوه بر آن که جنبه آسمانی دارد از نظر سنت های قبل و قوانین اجتماعی نیز حرکتی عاقلانه و ضروری و غیر قابل اجتناب بوده و اگر از جنبه امام بودن آن حضرت هم صرف نظر شود، قیام وی از دیدگاه یک سیاست مدار ورزیده و با فراست نیز خردمندانه ترین و واقع بینانه ترین نهضت به شمار می آید. اصول کلی این جنبش مثل قواعد ریاضی برای همیشه تازه و زنده و قابل پیروی است و از این جهت تاریخ قیام حسین بن علی (ع) از با ارزش ترین مباحثی است که سزاوار است برای درس گرفتن از آن بررسی و تحقیق شود. از این رو، در این مقاله آثار و نتایج آن قیام جاوید را از مجرای کارهای عقلانی و مجاری طبیعی بررسی کرده تا مکتب زنده و ارزنده آن حضرت دیگران را نیز راهنمایی کند و جوان مردان آزاده بتوانند از جنبش آموزنده پیشوای مجاهدان درس بگیرند و طبق آن عمل نمایند، زیرا همان طور که به حکم آیه: (لقد کان لکم فی رسول اللّٰه اسوه حسنه) عمل رسول خدا (ص) سرمشق مردم است، عمل امام نیز سرمشق و راهنمای مردم است؛ چنان که امام حسین فرمود: (لکم فیّ اسوه) در این مبارزه عمل من سرمشق شماست. بنابراین مسلمانان باید برنامه عملی آن حضرت را به طور صحیح درک کنند و از آن پیروی نمایند. البته بحث در آثار نهضت و بهره هایی زاده علی (ع) از

جانبازی های قریش و یارانش برداشت، دامنه ای بسیار وسیع دارد، زیرا نتایج و آثار و بهره های آن قیام مقدس بس بی شمار است: حال که مجالی کوتاه یافته ایم، می کوشیم تا هر چند اندک آن نتایج و آثار را بهتر بشناسیم. به طور کلی آثار و نتایج قیام امام حسین (ع) در دو بخش باید بررسی شود: نخست، آثار زیان آور این تجاوز قساوت آمیزی که از طرف پسر معاویه - یزید خون خوار- با امام و اسلام شد. در بخش دوم، هم آثار مثبت و پردازش قیام جاودانه آن امام برحق.

زیان های جنگ یزیدیان

خسارت جبران ناپذیر

همه می دانند که در فاجعه اسف انگیز کربلا، علاوه بر زیان های مالی، عده ای از شریف ترین و برگزیده ترین رجال اسلامی و ذخائر پر ارزش ملی که دارای عالی ترین صفات انسانی هستند و نمونه های کامل مکتب قرآن بودند، طعمه آتش جنگ شدند و خانواده های آنان بی سرپرست و پریشان گشتند. از همه مهم تر، سبط پیغمبر (ص) و فرزند برومند علی و فاطمه (س) که حقا باید جهان انسانیت را به سوی ترقی و تکامل رهبری کند، با آن وضع دل خراش به خاک و خون غلطید، و زنان و دختران خاندان رسول خدا (ص) که نمونه های کامل عفت اسلامی بودند، مورد تهاجم و غارت عناصر وحشی واقع شدند و در گذرگاه ها و مجالس عمومی در معرض تماشای مردان بیگانه قرار گرفتند. بی تردید این تهاجم وحشیانه ای که به خاندان رسالت شد، ضربت بزرگی بود که به دستگاه رهبری اسلامی وارد گشت و بی احترامی جسورانه ای بود که به مقام پیغمبر اکرم (ص) شد. و هیچ خسارتی بزرگ تر از این نمی شود که خاندان نبوت قتل و غارت شوند. این خسارت جبران ناپذیر است که مسئولیت آن به عهده

حکومت ضد اسلام پسر معاویه است که با تجاوزطلبی خود این فاجعه وحشتناک را به وجود آورد.

ذلت مردم

در زمان هایی که حکومت های استبدادی مثل حکومت یزید بن معاویه همه آزادی ها را از مردم سلب می کنند و حق و عدالت را می گُشند و با افسار گسیختگی نیروهای مالی و انسانی مردم را استثمار می کنند. تنها مایه امید مردم شخصیت های بزرگ و لایقی مثل حسین بن علی (ع) هستند که می توانند در شرایط مساعد از نفوذ اجتماعی و محبوبیت ملی خود استفاده کنند و طغیان حکومت سرکش را مهار نمایند و مردم را از ظلم و ستم برهانند. پس از مرگ معاویه بن ابی سفیان مردمی که بیست سال حکومت عدالت کش این دیکتاتور خون خوار را تحمل کرده و تشنه اصلاحات بودند. امید داشتند پیش از آن که یزید بن معاویه بر اوضاع مسلط گردد، امام حسین (ع) وضع موجود را تغییر دهد و مردم را از آن استبداد و اختناق شدید نجات بخشد. این امید و آرزو در مردم عراق که عموماً شیعیان امیرالمؤمنین (ع) بودند، بیشتر وجود داشت و همه امیدها و آرزوهای مردم عدالت خواه در شخص حسین بن علی (ع) متمرکز شده و عقیده داشتند تنها مرد مصلحی که می تواند به آرزوهای مردم جامه عمل بپوشاند، فرزند پیغمبر (ص) است. حال اگر این تکیه گاه امید و آرزوهای مردم به شمشیر استبداد کشته شود و اگر این زعیم عظیم، به دست عمال دولت عدالت کش یزید به خون بغلطف؛ در این صورت آیا دیگر برای مردم ستم دیده پناهگاهی وجود دارد؟ و آیا برای مردم آزادی خواهی که طغیان زیر ضربات شلاق دیکتاتوری جانشان به لب رسیده، مایه امیدی باقی

می ماند، و آیا برای مهار کردن حکومت ستمگر بنی امیه وسیله دیگری موجود است؟ این جاست که باید گفت: پس از کشتن امام حسین (ع) مردم مسلمان در برابر حکومت یزید ذلیل تر و زبون تر شدند، زیرا با کشته شدن امام، آرزوهای آنان بر باد رفته و امیدها به ناامیدی مبدل گشته و خود را شکست خورده و بی پناه می دیدند. «عبد الله بن مطیع» سیاست مدار معروف که در شورش های ضد بنی امیه نقش مؤثری داشت، وقتی که بین مکه و مدینه امام حسین (ع) را ملاقات کرد. ضمن سخنانش با آن حضرت گفت: «لئن هلکت لنسترقن بعدک. اگر تو کشته شوی حکومت موجود، ما را برده و اسیر خود خواهد کرد». «یزید بن ارقم» پیر مرد صحابی آن گاه که با خشم و تنفر از مجلس عبید الله بن زیاد خارج شد، گفت: «انتم معشر العرب العبید بعد الیوم، قتلتم ابن فاطمه و امرتم ابن مرجانه؛ شما که پسر فاطمه را کشتید و پسر مرجانه را به حکومت پذیرفتید، از این پس بردگان حکومت خواهید بود». آنچه عبد الله بن مطیع و یزید بن ارقم گفتند به وقوع پیوست و پس از حادثه کربلا- مردم بردگان دستگاه حکومت شدند. از «ابو اسحاق سیعی» پرسیدند: مردم چه وقت ذلیل شدند؟ گفت: «حین قتل الحسین؛ آن گاه که امام حسین (ع) را کشتند». از این بالاتر، کشتن امام این جنایت بزرگ تاریخ دامنه ذلت رادر حادثه کربلا به دامن خاندان رسالت هم کشانید نعوذ باللّه و این برای خاندان عصمت به قدری رنج آور و جانکاه بود که حضرت امام رضا (ع) از روی شدت ناراحتی می فرماید: «ان یوم الحسین اقرح جفوننا واسبل دموعنا و اذل عزیزنا؛ کشته شدن امام

حسین (ع) اشک های ما را ریزان و پلک های چشمان ما را مجروح و عزیز ما را ذلیل کرد». از آنچه گفتیم، روشن شد که ذلت و زبونی بیش از پیش مردم مسلمان در برابر حکومت جبار بنی امیه از آثار نامطلوب و رنج آور تهاجم وحشیانه ای بود که از طرف دولت ضد اسلام یزید به فرزند پیغمبر (ص) شد.

ضربت خوردن اسلام

امام حسین (ع) پیشوای بزرگ اسلام بود و وظیفه آن حضرت این بود که: ۱- اصول و مقررات اسلام را بیان و تفسیر کند؛ ۲- با تبلیغ و ترویج قوانین اسلام زمینه پیشروی و نفوذ این دین را فراهم نماید، تا در سایه تبلیغات وی توسعه و انتشار بیشتری پیدا کند؛ ۳- راهنمایی و سرپرستی سیاسی مسلمانان را به عهده گیرد و نیروها و فعالیت های آنان را در سیاست و اقتصاد و سایر شئون حیاتی متشکل و هم آهنگ سازد، تا ملت مسلمان پایه های سعادت خود را استوارتر سازند و گام های بلندتری در راه ترقی و تکامل بردارند. هر امت و جمعیتی اگر بخواهند سعادت مند شوند، از دو چیز ناگزینند: الف) قانون؛ ب) رجال قانون. قانون باید آن قدر کامل باشد که بتواند جواب گوی احتیاج های اجتماع باشد. و رجال قانون باید هم به آن ایمان داشته باشند، و هم قانون را درست بفهمند و هم برای ترویج و حمایت آن از بذل هیچ گونه کوششی دریغ ننمایند. رسول خدا (ص) فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و اهل بیتی؛ من کتاب خدا و عترت خود را در بین شما می گذارم» و بدین گونه هم قانون و هم رجال قانون را تعیین کرد. قانون کتاب خداست و رجال قانون عترت پیغمبر (ص) هستند و چون قانون به خودی خود

نه زبان دارد و نه می تواند از خود دفاع کند. از این رو تنها رجال قانون هستند که باید آن را هم تفسیر و هم پشتیبانی و ترویج نمایند. بنابراین به هر نسبتی که مردان دانشمند دین شناس بیشتر باشند و برای پیشروی و سربلندی دین فعالیت کنند، به همان نسبت دین زنده می شود و پیش می رود. و به هر نسبتی که عده دانشمندان دینی کم شود و فعالیت های مذهبی رو به نقصان نهد به همان اندازه دین رو به ضعف می رود. اگر یک عالم دینی بمیرد، به اندازه شعاع شخصیت دینی و نفوذ مذهبی او به دین ضربه می خورد. زیرا دین، یک فرد طرفدار مدافع خود را از دست می دهد. و از این جهت در خبر وارد شده است: «اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الإسلام ثلمه لايسدها شي؛ اگر یک عالم دینی بمیرد، شکستی به اسلام می خورد که هیچ چیز آن را جبران نمی کند». از این مقدمات می توان به این حقیقت پی برد که کشتن امام حسین (ع) آن رهبر بزرگ و مجاهد چه ضربت جبران ناپذیری به اسلام وارد ساخت. برای درک این حقیقت لازم است این نکته مورد توجه قرار گیرد: آیا وجود امام حسین (ع) بزرگ ترین شخصیت علمی و سیاسی از خاندان وحی و رسالت برای پیشروی و سربلندی اسلام تا چه اندازه مفید بود؟ بدیهی است وجود امام به اندازه شعاع شخصیت اسلامی و رهبری دینی و سیاسی آن حضرت برای پیشروی و شوکت و نفوذ اسلام مؤثر بود. پس به همین نسبت کشتن چنین رهبر بزرگ دینی و سیاسی زعیم عظیم اسلامی برای اسلام و مسلمانان زیان آور و خسارت بار بود و فقدان وی آن هم

با آن صورت دردناک، شکست بزرگی بود که به جهان اسلام وارد آمد. عبد الله بن جعفر ضمن نامه ای به امام حسین (ع) می نویسد: «ان هلكت طفی ء نور الارض؛ اگر تو کشته شوی نور زمین خاموش می شود» از این رو امام سجاد (ع) ضمن خطبه ای که هنگام بازگشت به مدینه در بیرون شهر ایراد کرد، فرمود: «أن الله قد ابتلانا بمصائب جلیله و ثلمه فی الإسلام عظیمه، قتل ابو عبد الله الحسین (ع)؛ مابه مصیبت های بزرگی مبتلا شدیم؛ حسین بن علی (ع) کشته شد و کشتن او شکست بزرگی بود که به اسلام وارد شد. از آنچه گذشت، روشن شد شکست بزرگی که با کشتن امام حسین (ع) به اسلام وارد شد؛ آثار نامطلوب و اسف انگیز قتل امام بود که به دست عاملان حکومت یزیدی واقع گشت.

شکست علمی

بعضی از بزرگان فرموده اند: «در سراسر فقه شیعه، حدیثی از امام حسین (ع) نقل نشده و بعضی فرموده اند: فقط یک حدیث از آن حضرت نقل شده است». اگر هر یک از این دو مطلب، حقیقت داشته باشد باید گفت: علت آن این است که پس از وفات حضرت مجتبی (ع) به علت اختناق شدیدی که حکومت معاویه به وجود آورده بود، امام حسین (ع) طبعاً از صحنه سیاست کنار و مراجعات مردم به آن حضرت کم بود و پس از مرگ معاویه نیز بلافاصله به امام تهاجم شد و به دنبال آن قیام وی به وجود آمد و در این قیام شهید شد. اگر امام شهید نمی شد و خلافت اسلامی را به مرکز اصلی خود باز می گرداند، در این صورت مثل پدر بزرگوارش در مسجد کوفه خطبه ها می خواند و برای عزل و نصب، فرمان ها صادر می نمود

و در هر مناسبتی از حقایق قرآن و اسلام پرده برمی داشت و شاگردان فراوانی در تفسیر و حدیث و سایر علوم اسلامی تربیت می کرد و جهانی را از علم قرآن و حدیث پر می نمود. نهج البلاغه جزء بسیار کمی از آثار علمی امیر المؤمنین (ع) است که به صورت خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار در اختیار مردم قرار گرفته و معلوم است که قسمت اعظم این اثر گران بها در زمان خلافت آن حضرت صادر شده، زیرا در این زمان بود که رهبری اجتماع را به عهده داشت و در هر مناسبتی خطبه ای یا نامه ای یا کلمات حکمت آمیزی از حضرتش صادر می شد. اگر امام حسین (ع) نیز مثل پدر بزرگوارش زمام امور را به دست می گرفت و حداقل ده سال بر مردم حکومت می کرد، نهج البلاغه ها از وی به یادگار می ماند و آثار گران بهایی به صورت خطبه ها و نامه و فرمان ها و اخبار و احادیث اسلامی از حضرتش در اختیار مردم قرار می گرفت. یا اگر در مرحله سوم قیام همان طور که خواست امام بود ترک خصومت می شد و پسر پیغمبر (ص) به مدینه بر می گشت و پس از مرگ یزید خلافت اسلامی را به مرکز اصلی خود باز می گرداند و یا در وضعی مشابه وضع حضرت سجاد و امام باقر (ع) به سر می برد در هر دو صورت آثار گران بهایی از علوم اسلامی از آن حضرت به یادگار می ماند. ولی هزار افسوس که آن وجود مقدس به شمشیر ظلم و استبداد کشته شد و جهان اسلام از فیض وجودش محروم گشت. پس باید گفت: یک علت اساسی که از سیدالشهدا (ع) اخباری در فقه نقل نشده

همان کشته شدن آن حضرت بود و این هم یکی از آثار جنایت یزید است. در زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه وارد شده است: «واصبح کتاب الله بفقْدک مهجورا؛ با کشته شدن تو ای فرزند پیغمبر (ص)! قرآن کریم متروک شد» بدیهی است در صورتی که با کشتن امام (ع) قرآن کریم متروک شود، اخبار اهل بیت به طور شدیدتری متروک خواهد شد.

لکه ننگ

تهاجم وحشیانه ای که در حادثه کربلا به خاندان وحی و رسالت شد، بی تردید برای حکومت یزید و به طور غیر مستقیم برای خلفا و حاکمان اسلامی لکه ننگی بود که به هیچ وسیله ای شسته نمی شد. این یک سنت طبیعی و اجتماعی است که هر حکومتی هر قدر طرفدار حق و عدالت باشد، در افکار عمومی محبوب می شود و در مقابل، هراندازه دست به ظلم و ستم بزند، در نزد مردم منفور می گردد و در سراسی سقوط قرار می گیرد. و از این رو حکومت یزید پس از فاجعه کربلا بیش از پیش منفور شد و مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفت. اگر چه اختناق شدید به مردم فرصت نمی داد که آزادانه اظهار تنفر کنند، ولی این اختناق نمی توانست از خشم و نفرت عمومی بکاهد، بلکه آن را بیشتر می کرد. نه تنها مردم با ایمان از این حادثه دل خراش نگران و پریشان شدند، بلکه جیره خواران و نزدیکان دستگاه حکومت نیز نتوانستند از اظهار تنفر و تأسف خود داری کنند.

اینک چند نکته

۱ - پس از شهادت امام حسین (ع) «عبید الله بن زیاد» نامه فرمان قتل امام را از عمر بن سعد به شدت مطالبه کرد و ابن سعد از دادن آن به شدت امتناع نمود، آن گاه به ابن زیاد گفت: من درباره قضیه حسین بن علی به قدری برای تو خیر خواهی کردم و برای جلوگیری از جنگ کوشیدم که اگر این اندازه خیر خواهی برای پدرم «سعد بن ابی وقاص» کرده بودم، حق پدری او را ادا نموده بودم. عثمان بن زیاد برادر عبید الله بن زیاد که در مجلس حاضر بود، سخنان عمر بن سعد را تصدیق

کرد و گفت: من دوست می داشتم که همه فرزندان زیاد تا روز قیامت ذلیل و خوار باشند و حسین بن علی کشته نشود. از این قصه می توان به میزان زیاد تأسف و تنفر عمر بن سعد از کشتن امام حسین (ع) پی برد، بلکه نگرانی خود ابن زیاد را نیز می توان فهمید. ۲. مرجانه مادر عید الله بن زیاد حاکم دیکتاتور را درباره کشتن امام حسین (ع) به شدت ملامت کرد و گفت: «یا خبیث قتلت ابن رسول الله! والله لا تری الجنة ابدا؛ تو ای عنصر ناپاک! فرزند پیغمبر را کشتی، به خدا قسم هرگز بهشت را نخواهی دید». ۳ - هنگامی که سر امام حسین (ع) را به مسجد دمشق آوردند، یحیی بن حکم برادر مروان حکم از آنان پرسید: چه کردید؟ آنان جریان کشته شدن امام را توضیح دادند؛ او گفت: بین شما و پیغمبر خدا در روز قیامت جدایی افتاد، من دیگر با شما در هیچ کاری شرکت نخواهم کرد. ۴ - همین یحیی بن حکم، وقتی که سر امام را نزد یزید دید، از روی ناراحتی و تأسف گفت: «آیا باید فرزندان «سمیه» مادر زیاد که زن بدکاره ای بود به عدد ریگ های بیابان باشند، ولی فرزندان فاطمه زهرا (س) دختر پیغمبر (ص) باید کشته و نابود گردند؟!»

آثار ثمر بخش

اشاره

اکنون به بعضی از آثار ثمر بخش قیام مردانه حضرت امام حسین (ع) اشاره می کنیم:

مکتب سیار

فعالیت های ثمر بخشی که ائمه اهل بیت: برای عقیم کردن تبلیغات مسموم و زنده نگه داشتن نام پرافتخار امام حسین (ع) کردند، مکتب زنده و آموزنده سرور مجاهدان را با آن تشعشع مخصوص اش به جهانیان معرفی کرد و هرچه زمان بیشتر گذشت، خورشید حقیقت حسینی بیشتر درخشید و شعاع نور بخشی آن وسیع تر گشت، تا آن جا که شخصیت با عظمت سید الشهداء صلوات الله علیه شمع جمع شد و شیفتگان انسانیت را دل باخته خود گرداند و محبت آن حضرت تا اعماق روح و جان مردم حقیقت طلب نفوذ کرد. این جاذبه شخصیت با عظمت امام حسین (ع) مکتب آن حضرت را به صورت مکتبی خود کار و سیار و فعال در آورد؛ تا آن جا که می توان گفت: در جهان تشیع، اگر احکام اسلام تبلیغ می شود. اگر اخلاق و عقاید دینی تشریح می گردد و اگر ندای قرآن تا دورترین روستاها و حتی در بین عشایر خانه به دوش طنین می افکند، همه اینها به برکت مجالسی است که به نام سید الشهداء (ع) و زیر لوای آن حضرت تشکیل می گردد و مردم با شور و اشتیاق کم نظیری به این مجالس رو می آورند و حقایق اسلامی را می شنود و از منبع فیض حسینی سیراب می گردند.

تربت امام، شفای بیماران

اشاره

یکی از ثمرات و برکاتی که خداوند عالم در عوض شهادت امام حسین (ع) به وی داده این است که تربت آن حضرت را وسیله شفای بیماران قرار داده است. ما در این جا از آن همه روایاتی که در این باب وارد شده، می گذریم و به نقل یک حکایت اکتفا می کنیم: عالم زاهد پرهیزکار، حجه الاسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی

قدس سرّه (دایی این جانب) نقل فرمودند: «من در زمان مرجعیت مرحوم آیه الله آخوند خراسانی (ره) که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم، مریض شدم و این بیماری مدتی طول کشید و پرستاری مرا بعضی از طلاب در همان حجره مدرسه به عهده داشتند. پس از چندی بیماری من به قدری شدید شد، که پزشکان از شفا یافتنم مأیوس شدند و دیگر برای معالجه ام نیامدند و من در حال شدت تب گاهی بی هوش می شدم و گاهی به هوش می آمدم. یکی از دوستان که مرا پرستاری می کرد شنیده بود زاهد مرحوم آیه الله آقای حاج آقا علی محمد نجف آبادی (ره) مقداری از تربت اصل حضرت سیدالشهدا (ع) را دارد. او به منزل معظم له رفته و از وی خواسته بود که قدری از آن تربت را بدهد که به من بخوراند تا شفا یابم. ایشان فرموده بود، به قدر یک عدس تربت دارم و آن را گذاشته ام که بعد از مرگم در کفنم بگذارند. آن آقا ناراحت شده و گفته بود: حالا که ما از همه جا مأیوس شده و به شما پناه آورده ایم، شما هم از دادن تربت خودداری می کنید؛ این بیمار در حال احتضار است و می میرد. مرحوم آیه الله آقای حاج علی محمد دلش به حال بیمار سوخته و قدری از آن تربت را که از جان خودش عزیزترش می داشت به آن شخص داده بود. تربت را با آداب مخصوصی که وارد شده، در آب حل کرده و در حلق من ریخته بودند. من که در حال بی هوشی به سر می بردم، ناگهان چشمان خود را باز کردم، دیدم دوستان اطراف بستر من نشسته اند.

خوب دقیق شدم و آنان را شناختم. قصه تربت را که به حلقم ریخته بودند، برایم شرح دادند. من کم کم در خود احساس نیرو و نشاط کردم و حرکتی به خود دادم و نشاط بیشتری یافتم. برخاستم و ایستادم چون یقین کردم که به برکت تربت مقدس امام حسین (ع) شفا یافته‌ام، حال خوشی پیدا کردم و به دوستان گفتم: بدون مجامله می‌خواهم از شما خواهش کنم از حجره بیرون بروید، چون می‌خواهم زیارت عاشورا بخوانم. آنان از حجره بیرون رفتند، من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشی که قابل وصف کردن نیست، مشغول خواندن زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) شدم. مرحوم آقای حاج شیخ (ره) این داستان را باحال‌گریه نقل می‌کردند، بطوری که گاهی گریه سخنان معظم له را قطع می‌کرد.

محبوبیت امام و خاندان علی بالا می‌رود

اشاره

یکی از آثار ثمر بخش قیام مردانه امام حسین بن علی (ع) محبوبیت بیش از پیش امام بود، زیرا پس از حادثه کربلا محبوبیت آن حضرت چنان ریشه دار شد که تا اعماق دل و جان مردم نفوذ کرد. اگر حسین بن علی (ع) پیش از قیام به عنوان امام وقت و سبط پیغمبر (ص) و بزرگ‌ترین شخصیت از خاندان وحی و رسالت شناخته می‌شد. پس از قیام، علاوه بر مقامات سابق به نام عالی‌ترین نمونه مردانگی و فداکاری در راه حقیقت شناخته شد و به عنوان کامل‌ترین مرد مجاهدی که به علت طرفداری و دفاع از اسلام به خاک و خون غلطید، نام پر عظمتش در خاطره‌ها نقش بست. کیست بشنود که: حسین بن علی (ع) به خاطر حمایت از قرآن در پیش چشم خانواده اش با شمشیر استبداد کشته شد و

دلش به سوی او متوجه نشود و به وی عشق نوزد؟ کیست که از جانبازی عاشقانه سبط پیغمبر (ص) آگاه شود و به هیجان نیاید و قلبش در محبت وی نتپد؟ هر انسان با شعوری در هر گوشه ای از جهان و دارای هر عقیده ای باشد، وقتی که بشنود بزرگ ترین شخصیت علمی و سیاسی از خاندان پیغمبر (ص) به علت دفاع از انسانیت و حقوق انسان ها به دست عمال حکومت سرنیزه به خون غلطید، بی اختیار دلش در این مصیبت جانکاه می سوزد و بر قهرمان این فداکاری بی نظیر درود می فرستد و قلبش مجذوب وی می گردد و در عشق او به هیجان می آید، و هر چه نامش را بیشتر بشنود و از قیام مردانه وی بیشتر یاد کند، علاقه و محبتش به این پیشوای مجاهدان عمیق تر و ریشه دارتر می شود. و این یک سنت طبیعی و غیر قابل تغییر است که روح و دل انسان ها به سوی انسانی که در راه دفاع از حقیقت کشته می شود، مجذوب می گردد. این محبوبیت که در واقع بمنزله خون تازه ای بود که در رگهای اسلام جریان پیدا می کرد، آرام آرام موقعیت خاندان علی (ع) را آن چنان استوار ساخت که دیگر برای ستمگران و جباران بعدی هیچ گونه امکان آن شیخون زدن ها و یورش ها را به موجودیت دودمان امیر المؤمنین باقی نگذارد. در نتیجه، هم خاندان نبوت و هم اسلام اصیل و واقعی از یک خطر حتمی و سقوط قطعی نجات یافت. آری، قیام خونین «طف» در واقع به منزله تجدید حیات و قدرت معنوی برای اسلام و پیامبر بزرگ آن بوده است، زیرا جاذبیت خاصی که پس از آن برای حسین (ع) بوجود آمده بود عواطف و

تمایل شدید قشرهای مختلف اجتماع را به سوی آن بزرگوار معطوف داشت و این خود موجب گردید، تا در پرتو زنده ماندن اسم آن حضرت، نام پیغمبر و میراث آسمانی او هم زنده بماند به آن گونه تا این تاریخ، قرن ها است که داغ ترین و شورانگیزترین حماسه ها و جنبش های اسلامی و انسانی با الهام از جانبازی ها و فداکاری های بی دریغ آن حضرت به وجود آمده و آشنائی مردم با تعالیم و معتقدات اسلامی و زنده ماندن شئون و مظاهر صحیح مذهبی تحت عنوان یادبود خاطره کربلا انجام گردیده است. هرچند معتقدم که از مجامع سوگواری و اجتماعات عظیمی که به خاطر جاذبه حضرت سید الشهداء به وجود می آید، آن گونه که مورد انتظار است و باید، بهره برداری نمی گردد و به مقداری که نیرو در این راه مصرف می شود، نتیجه گیری انجام نمی گیرد (و این خود بحثی است که با خواست خداوند در پایان مقاله خواهد آمد و ما خود طرح های مفیدی در این باره داریم که در آن جا ارائه خواهیم داشت) اما با این حال کیست که نقش حیاتی و عظیم این مجامع را در حفظ اساس و کیان شیعه تا این عصر انکار ورزد؟! آری، این ثمره و راه یافتن دودمان علی (ع) به طور عمیق و ریشه دار در دل های مردم از مهم ترین آثاری بود که نهضت مقدس حسین (ع) آن را به بار آورد.

یک نکته

ولی یک نکته را باید دانست که این محبوبیت از آثار طبیعی و قهری مجاهدات مردانه امام است، نه هدف او البته بدیهی است که این محبوبیت قهری برای آن حضرت مخفی نبود، بلکه پیش از وقت هم پیش بینی می کرد که

پس از شهادت محبوب تر و گرامی تر خواهد شد. از این رو، روز عاشورا وقتی که حملات شدید دشمن به وی شروع شده بود، ضمن سخنانش با اردوی دشمن به این امر اشاره می کرد: «وایم الله انی لأرجو أن یکرمنی منی الله بهوانکم؛ به خدا قسم من امیدوارم که خداوند مرا گرامی گرداند و شما را خوار و بی مقدار سازد». امام در این سخن، به دو سنت طبیعی اشاره فرموده است: ۱- سست شدن دستگاهی که به کشتن فرزند پیغمبر (ص) اقدام کرد؛ ۲ عزت و محبوبیت بیش از پیش امام که در راه دفاع از حقیقت به خاک و خون غلطید. در این جا باز باید تذکر دهیم که «ماریین» آلمانی چون دیده است امام حسین (ع) پس از شهادت محبوب تر شده، خیال کرده است که آن حضرت خود را به کشتن داد، تا احساسات مردم به نفع وی تحریک شود و بیشتر به او محبت پیدا کند. ولی این نیز از باب اشتباه هدف با نتیجه قهری است، زیرا محبوبیت بیشتر امام پس از شهادت یک سنت طبیعی و از آثار قهری قیام مردانه آن حضرت است.

آل امیه منفور می گردد

چهارمین اثر مهم و بزرگی که نهضت مقدس (ع) به بار آورد، برملا- ساختن ماهیت کثیف و ننگین بنی امیه بود. آن قیام و جنبش اصیل که، پرده ها را یک باره بالا- زد، به خوبی توانست چهره آلوده و سیرت دیو مانند آنها را در برابر امت عملاً ترسیم ساخته و میزان قساوت، درندگی، رذالت و پای بند نبودن آنها را به هیچ اصلی از اصول انسانیت و شرف آشکار سازد. زاده علی (ع) با آن فداکاری و جانبازی خویش برای همگان روشن ساخت که

اینان نه تنها از کشتن عنصرهای فضیلت و زادگان پیامبر با لب های تشنه و شکم های گرسنه امتناع ندارد، بلکه کودکان شیر خوار و خرد سال آنها را هم در برابر دیدگان پدر هدف تیرهای مسموم و کشنده قرار می دهند و دختران کوچک و بی گناه را به غل و زنجیر می کشند و با پای برهنه آنها را از بیابان ها و بر روی خارها عبور می دهند. این جنایت های هولناک آن چنان پرده از ماهیت بنی امیه بالا زد و آن دشمنان واقعی اسلام را رسوا ساخت که قیافه های اهریمنی و شیطانی آنها را آن گونه که بود، نشان داد و در نتیجه به موازاتی که محبوبیت خاندان پیغمبر بالا می رفت، نفرت و انزجار شدیدی از بنی امیه در دل ها ایجاد می گردید، تا آن جا که می توانست نقشه های شوم «زاده هند» را که با جعل احادیث و روایات ساختگی می خواست خاندان بنی امیه را به نام دین در دل های مردم جای دهد، همه را نقش را بر آب سازد. کار این منفوریت در اجتماع به حدی بالا گرفت که سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هیچ یک از آل امیه جرأت نداشت نسبت خود را آشکار سازد، بلکه بدن های مردگان آنها را از قبر بیرون کشیدند و با آتش می سوزاندند. آری، راه پیشرفت و پیروزی که داشت با سرعت فراوان برای آن دودمان کثیف در بین امت هموار می شد، بعد از واقعه «طف» یکباره درهم ریخت و بارسوایی و فضیحت بساط بوسفیانیان برچیده گشت.

نہضت های که از حادثه کربلا الهام گرفت

سومین اثر عمیق و مهم که واقعه «طف» آن را به وجود آورد، نهضت های اصیلی است که با الهام از آن واقعه انجام شد. این قیام های خونین که تقریباً رهبری همه آنها

را سادات و بنی هاشم برعهده داشتند، خود یکی از ثمرات شیرینی است که فداکاری های بی دریغ حسین (ع) و یاران عزیزش، آن را به بار آورد، زیرا تا آن روز هرچند جنگ های فراوانی در اسلام رخ داده بود، همانند نبرد علی و فرزندش حسن (ع) که در آنها مردان اصیل و آزاده اسلام سخت با ستم کاران و فرصت طلبان پیکار کردند و فداکاری های بسیاری انجام دادند، اما آن جنگ ها همگی به صورت برخورد حکومتی با حکومت دیگر بود و هر دو طرف از امکانات (دوقدرت) برخوردار بودند، از جنبه نفرات و سلاح گرفته تا آذوقه و اقتصاد هر دو جبهه، دارای شرایطی مساوی یا قدرتی ضعیف تر بودند، اما واقعه کربلا این گونه نبود، در آن جا (قدرت) تنها در یک طرف بود و حکومت در برابر حکومت قرار نداشت. در آن جا دو طرف نه تنها دارای شرایطی مساوی نبودند، بلکه از نظر امکانات و نیرو درست در دو قطب مخالف بودند. در حادثه «نینوا» یک طرف پیکار یزید است که در رأس قدرت قرار دارد و از همه امکانات و عوامل مادی به طور وسیع و بی سابقه ای برخوردار است. اما طرف دیگر، یعنی جبهه حسین (ع) نه قدرت دارد و نه حکومت، بلکه تنها جمعی آزادمردان خدا ساخته و شریف بودند که تعدادشان از صد نفر تجاوز نمی کند، و اینان به عکس رقیب خود دست های پراز فضیلت شان از همه امکانات مادی تهی است! نه اسلحه کافی دارد و نه وسیله سواری و حتی نه آب و نان. اما با این حال نشان دادند که در حکومت جباران و ستمگران، آنجائی که برای عدالت و آزادی بافضیلت و شرف ارزشی نیست، مرگ

شرافت مندانه به مراتب از زندگی ننگین و سازش با آنها بهتر است. آری، این گونه پیکار و جنگ با این شرایط کاملاً متفاوت، تا آن روز سابقه نداشت و برای اولین بار این حسین و یاران آزاده وی بودند که نشان دادند ممکن است جمعی کوچک و نفراتی محدود، بدون داشتن هیچ گونه امکانات مادی در یک محیط خفقان آور و در حکومت بیداد گران نعره های حق طلبانه خویش را از دل برکشند و به خاطر هدف های خدایی و انسانی با دستی خالی پیکار کنند و هرچند در آن راه جان خود را از کف بدهند، اما چون بر خدا و حق تکیه دارند پیروز گردند. آری، از این جاست که ما تنها قیام خونین حسین (ع) نه جنگ های اصیل گذشته را الهام بخش آن نهضت های کوچک، اما اصیل و پر ثمر می شمیریم که به وسیله بنی هاشم و سادات در برابر حکومت های غاصب به وجود می آید و تردیدی نیست که نقش همان قیام ها و جنبش ها با حجم کوچک شان در حفظ موجودیت اسلام و قوانین عدالت گستر آن بسیار حیاتی و حساس بوده است، زیرا تردیدی نیست که اگر دوران حکومت زمامداران بعدی بانهایت آرامش و بدون درد سر می گذشت، بی شک آنها که نه با اسلام رابطه گرمی و نه با ملت پیوندی داشتند، کمتر احساس احتیاج می کردند که به مقررات اسلامی و حفظ شئون دینی تظاهر کنند و از ستم به مردم پرهیزند. اما آن جنبش ها و قیام های مسلحانه ای که به وسیله سادات و بنی هاشم انجام می گردید، آن هم توأم با محبوبیت خاصی که خاندان پیغمبر: بعد از حادثه کربلا به دست آورده بودند؛ گاهی آن

چنان مشکل عظیم برای حکومت ها و خلفای ناشایسته وقت به وجود می آورد که آنها را به سقوط و شکست قطعی تهدید می نمود. بی شک در چنین شرایط، آن جباران خود را به حفظ حقوق مردم و مقررات و تظاهر به رعایت اصول و مبانی اسلامی بیشتر محتاج می دیدند، تا از این راه هم بر محبوبیت خویش در بین مردم بیفرایند و هم از حمایت اجتماع در برابر سادات بیشتر برخوردار باشند و از طرف سوم، بهانه ای هم به دست مخالفان خود و بنی هاشم نداده باشند. با این حساب نقشی که قیام سادات در برابر حکومت های ناشایست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پیامبر گرامی و رعایت حقوق مردم داشت، جای هیچگونه تردید نیست و این نهضت ها خود یکی از آثار مهم و ثمرات شیرینی است که بی شک از نهضت ریشه دار و عمیق حضرت حسین بن علی (ع) الهام می گرفت.

درس های عملی

اشاره

یکی دیگر از آثار گران بهای قیام امام حسین (ع) این است که با قیام آن حضرت درس های عملی پر ارزشی در اختیار جهان اسلام، بلکه جهان انسانیت گذاشته شد و بدون تردید درس عملی از درس زبانی و قلمی خیلی مؤثرتر و نافذتر است. جامعه اسلامی؛ بلکه جهان انسانی می تواند از هر یک از مراحل قیام امام درس مخصوصی فراگیرد و از مکتب جاویدان حسین بن علی (ع) برای سعادت اجتماع همیشه استفاده کند. و اینک به درس های عملی که از چهار مرحله قیام آن حضرت می توان آموخت، اشاره می کنیم: الف) آن گاه که عناصر دنیا پرست بخواهند با قدرت سرنیزه، تصویب حکومت غیرقانونی را تحمیل کنند، باید چنین تحمیلی را نپذیرفت و به مقاومت پرداخت، و اگر امید این معنا هست

که نیروهای ملی متشکل شوند و برای مبارزه با حکومت ظلم شروع به فعالیت کنند باید به ارزیابی اوضاع سیاسی و نیروهای ملی پرداخت، تا اگر امکان مبارزه هست برای درهم کوبیدن ظلم و فساد شروع به کار شود. چنان که امام حسین (ع) برای مقاومت در برابر حکومت یزید و ارزیابی اوضاع سیاسی و ارزیابی قدرت ارتش ملی به مکه هجرت فرمود. این درسی است که از مرحله اول قیام امام می آموزیم. ب) اگر پس از ارزیابی نیروهای ملی، معلوم شد که افکار عمومی خواهان تغییر حکومت است و نیروی کافی برای تشکیل حکومت وجود دارد، باید با کمال شهامت برای تشکیل حکومت عادلانه اقدام کرد. چنان که امام حسین (ع) پس از گزارش مسلم بن عقیل که نیروی کافی برای تشکیل حکومت فراهم شده و امکان پیروزی نظامی بود، با همتی مردانه برای تشکیل حکومت اسلامی و سوزاندن ریشه ظلم و فساد اقدام فرمود و به سخنان این و آن گوش نداد. و این درسی است که از مرحله دوم قیام امام می آموزیم. ج) اگر معلوم شد که دیگر امکان پیروزی نظامی نیست، باید با تمام نیرو برای حفظ صلح و جلوگیری از جنگ کوشید تا نیروهای موجود به حالت ذخیره بماند و بتوان در فرصت های دیگری فعالیت های وسیع تری به نفع اسلام آغاز نمود. چنان که حسین بن علی (ع) وقتی که با حَرّ بن یزید برخورد کرد و دیگر امکان پیروزی نظامی و تشکیل حکومت نبود برای مراجعت به حجاز و جلوگیری از برخورد نظامی کوشش فراوان کرد و از هنگام برخورد با حَرّ بن یزید تا آخر کار حداقل پنج دفعه پیشنهاد مسالمت فرمود. و این درسی است که از مرحله سوم قیام امام می آموزیم. د) اگر رهبر قیام در محاصره

دشمن واقع شود و از او بخواهند که بی قید و شرط تسلیم شود، ولی معلوم است که اگر تسلیم گردد، او را خلع سلاح می کنند و ذلیلانه می کشند؛ در این صورت باید تسلیم دشمن نشود و مردانه به مقاومت و دفاع پردازد تا پیروز شود اگر چه احتمال یک در صد باشد و یا به افتخار شهادت برسد. چنان که امام حسین (ع) پس از آن که در محاصره نیروهای دشمن واقع شد و معلوم بود که اگر تسلیم شود، آن حضرت را ذلیلانه خواهند کشت، در این شرایط مردانه به مقاومت و دفاع پرداخت و سرانجام به افتخار شهادت رسید. و این درسی است که از مرحله چهارم قیام آن حضرت می آموزیم.

درس عزت نفس

اشاره

علاوه بر درس هایی که گفته شد درس دیگری نیز از قیام امام حسین (ع) می توان آموخت و آن «عزت نفس» است. از مطالعه تاریخ قیام، امام معلوم می شود پس از آن که آن حضرت در محاصره نیروهای ابن زیاد واقع شد، دو مسئله مطرح بوده است: یکی این که، امام حسین (ع) خلافت یزید را بپذیرد و دیگری این که، ذلیلانه و خاضعانه تسلیم ابن زیاد گردد، و این غیر از پذیرفتن خلافت یزید است؛ یعنی چیزی است که علاوه بر خلافت یزید می خواستند بر امام تحمیل کنند. آن گاه که در مدینه به فرزند پیغمبر (ص) پیشنهاد کردند، خلافت یزید را بپذیرد فقط از او می خواستند که تسلیم اراده یزید شود و دیگر از پذیرفتن فرمان ابن زیاد سخنی در بین نبود. ولی آن گاه که در بیابان سوزان کربلا آن حضرت را در محاصره نیروهای مسلح عبید الله زیاد گرفته بودند، علاوه بر پذیرفتن

خلافت می خواستند این ذلت را بروی تحمیل کنند که تسلیم بی قید و شرط ابن زیاد شود، تا او هر فرمانی که دلش خواست درباره امام صادر کند، اگر چه فرمان اعدام باشد. امام حسین (ع) در یکی خطبه های روز عاشورا این مطلب را بدین گونه توضیح می دهد: «این ناکس پسر ناکس [ابن زیاد] مرا به پذیرفتن یکی از دو چیز ناچار کرده است: یا شمشیر کشیدن و جنگیدن و یا قبول ذلت کردن». در خطبه امام این مطلب روشن است که باید حسین بن علی (ع) ذلیلانه تسلیم ابن زیاد گردد. پس معلوم می شود اگر برفرض محال امام در کربلا- خلافت یزید را می پذیرفت، باز هم او را آزاد نمی گذاشتند که مثلاً- به وطن خود مدینه برگردد، بلکه باید پس از بیعت کردن با یزید تسلیم اراده ابن زیاد شود. بنا براین، از وقتی که امام حسین (ع) در محاصره نیروهای «عبید الله بن زیاد» شد، مقاومت آن حضرت دوجانبه گشت؛ یعنی هم مقاومت می کرد که خلافت ضد قرآن یزید را نپذیرد و هم مقاومت می کرد که ذلت و خفتی را که می خواستند بر وی تحمیل کند، نپذیرد و عزت نفس خود را حفظ کند و این عزت نفس در مراحل اخیر مبارزه امام بیشتر تجلی کرد. مقاومت حسین بن علی (ع) در مقابل دستگاه دیکتاتوری یزید در همه مراحل، مردانه و شجاعانه بود. ولی مقاومت دلیرانه و عاشقانه ای که از صبح عاشورا، تا وقت شهادتش از خود نشان داد، به اندازه ای حیرت انگیز و بهت آور است که بدون مبالغه هیچ قلم توانا یا زبان گویایی نمی تواند آن را آن چنان که هست، تحریر یا تقریر نماید. آن گاه که حسین بن علی (ع) در محاصره

شدید نیروهای مسلح این زیاد قرار گرفته و اردوی تجاوز کار دشمن آماده بود که با حمله ای، کار آن حضرت را یکسره کند. آن گاه که برق شمشیر سی هزار نظامی مسلح دشمن چشم ها را خیره کرده و دل ها را می لرزاند. آن گاه که سوز تشنگی سراپای وجود امام را می گداخت و جهان پیش چشمش تیره و تار شده بود. آن گاه که زنان و کودکان امام در خیمه ها منقلب و پریشان و در حال سوز و گداز به سر می بردند. آن گاه که خاندان آن حضرت در حال بلا تکلیفی و نگرانی از آینده و در انتظار اسیری دقیقه شماری می کردند. آن گاه که ناله های جانسوز زنان و کودکان تشنه و سرگردان قلب پر محبت امام را می لرزاند و جگرش را چاک می زد. امام حسین (ع) در چنین اوضاع و احوال وحشت زایی که هر پهلوان مرد افکنی را بی چاره می کند و در چنین عرصه پرمحنتی که تهمتن ها و شیردلان را به زانو در می آورد؛ در میان چنین طوفانی بلایی می گوید: «هیئات منّا الذلّه؛ ماهرگز ذلت را نمی پذیریم». و می گوید: «لأعطیهم بیدی اعطاء الذلیل»؛ من دست ذلت به دست ایشان نمی دهم». آه! که چه عزت نفس و حریت ضمیری از فرزند پیغمبر (ص) بروز کرده است! عجب که چه عظمت روح و علو طبع و نبوغ ذات حیرت انگیزی از پسر فاطمه (ع) ظاهر گشته است! این همان درس عزت نفسی است که از مکتب حسین بن علی (ع) می توان آموخت. حادثه عاشورا نه تنها برای مسلمانان مایه عبرت بوده است، بلکه بسیاری از رهبران و نوابغ مذهبی علمی و سیاسی سایر مذهب ها و کشورهای جهان هم، آن را پایه و اساس حکومت خود قرار داده اند و از آن حادثه جاوید برای رسیدن به آرمان های

کشور و مذهب خود استفاده می کنند که در زیر به سخنان بعضی از آنها اشاره می شود:

نهضت حسین از نظر «مهاثما گاندی»

برمن روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز باشد، بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند.

آثار نهضت امام حسین از نظر «سیو ماریین» آلمانی

امام حسین (ع) برای پایدار داشتن پرچم اسلام، پرچمی که با فداکاری و از خود گذشتگی های جدش و با ایثار خون پاک صدها مسلمان غیرتمند برافراشته شده بود، جان و مال و خانواده و دوستان خود را فدا نمود، تا به دنیا نشان دهد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چند عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت. او با اثبات مظلومیت و حقانیت خود به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت.

محمد علی جناح

محمد علی جناح درباره آثار قیام حسین (ع) چنین می گوید: هیچ نمونه ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهورنشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد پیروی نمایند.

حادثه عاشورا از نظر لیاقت علیخان

این روز [عاشورا] برای مسلمانان سراسر جهان معنای بزرگ دارد. شهادت یکی از عظیم ترین پیروان اسلام مثل درخشنده و پایدار برای همه ماست. این درس به ما می آموزد که اشکال و خطرات هر چه باشد؛ نبایستی از راه حقیقت و عدالت منحرف شد.

اثر نهضت حسین از نظر گیبون مورخ مشهور

در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین های مختلف شرح صحنه حزن آور مرگ حسین موجب بیداری قلب خون سردترین قارئین خواهد شد. «چارلز دیکنس درباره آثار نهضت حسین این گونه می گوید: اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته های دنیایی خود بود، من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می نماید که او فقط به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد.

آثار نهضت حسین از نظر «توماس کارلایل»

بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند، آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق و باطل رو به رو می شود، اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که

داشت باعث شگفتی من است.

نهضت حسین از نظر فردریک جمس

درس امام حسین (ع) و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیر است و هم چنین می‌رساند که هرگاه کسی برای این صفات ابدی مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

کلام آخر

و به راستی! با چنین حسن و ملاحظت اگر ایشان بشوند زآب و خاک دگر و شهر و دیار دگردسلاام گرم عاشقان آزادگی و عزت نفس بر تو باد ای قهرمان آزادگی و حریت! که ذلت را نپذیرفتی و در حال مقاومت افتخارآمیز به خون خود غلطیدی. درود پر شور شیفتگان حق و عدالت بر تو باد ای فرشته بشر! سیما که در راه دفاع از حق و عدالت تا آخرین نفس ایستادگی کردی و سرانجام در راه هدف مقدس خود عاشقانه جان دادی! سلام سوزان دل باختگان آزادی و انسانیت نثار بارگاه عظمت و جلال تو باد ای مرد آسمانی و ملکوتی! که از تار و پود وجود تو برای همیشه این ندا بلند است که: «هیئات منّا الذّله؛ ما هرگز ذلت را نمی‌پذیریم».

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

